

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

۱۹

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

زیارت قبور

سازنده و مورد دستور

۲۰ تیر ۱۳۸۶

۲۶ جمادی الثانی ۱۴۲۸

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

« الحمد لله رب العالمين وصلّى الله على سيّدنا محمّد وآله الطاهرين

ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

« قال الله الحكيم في محكم كتابه أعوذ بالله من الشيطان الرجيم »

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ

تُقْلِحُونَ ﴾ (۱) .

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید و وسیله‌ای برای تقرب به او بجویید و در راه او جهاد کنید باشد که رستگار شوید .

چکیده سخن :

در سلسله مباحث گذشته پیرامون تفسیر آیات ولایت و امامت به مسأله توسّل، شفاعت و استعانت از قدرت مداران عالم خلقت پرداختیم و به شبهات مطرح شده پاسخ گفتیم .

سپس در ادامه مباحث در رابطه با احترام و تکریم کسانی که خداوند متعال به آنان عزّت و احترام ویژه‌ای بخشیده است، سخن گفتیم . در این راستا، شبهات ابن تیمیّه و محمّد ابن عبدالوهاب که بنیان گذاران جریان موسوم به سلفی هستند، را نقل و نقد نمودیم .

۱-سوره مائده، آیه ۳۵ .

وهابیان و زیارت روضه رسول الله ﷺ :

یکی دیگر از شبهات ابن تیمیه و پیروان وی در خصوص زیارت روضه مبارکه رسول الله ﷺ و مراقد مطهر حضرت معصومین علیهم السلام می باشد، امری که امروزه سنتی دایر و رایج است و شیعیان به آن پای بند می باشند. برای نقد نظرات وهابیان در این خصوص، همانند جلسات پیشین نخست، روایاتی را از کتب معتبر اهل تسنن ذکر می نماییم. پیامبر ﷺ می فرماید:

« من زار قبري وجبت له شفاعتي »^(۱).

هر کس آرامگاه مرا زیارت نماید، بر من است که او را شفاعت نمایم. راوی این سخن عبدالله ابن عمر از شخص رسول الله ﷺ است. این روایت در کتب فقهی مذاهب چهارگانه اهل تسنن، ذکر شده و آنان بر اساس این روایت فتوی داده اند^(۲).

بر اساس این روایت، رسول الله ﷺ می فرماید: هر کس که مرا زیارت نماید، حق شفاعت بر گردن من خواهد داشت. چگونه می شود زیارت رسول الله ﷺ کاری ناپسند و مذموم باشد در حالیکه ایشان ﷺ بابت این عمل وعده شفاعت می دهند؟!

تقی الدین سبکی شافعی یکی از علما و محدثین عامه به شمار می رود، که در میان آنان از اعتبار و احترام ویژه ای برخوردار است. وی در کتاب خود به نام

۱- الجامع الصغیر، جلد ۲ صفحه ۶۰۵، کنز العمال، جلد ۱۵ صفحه ۶۵۱.

۲- الفقه علی مذاهب الأربعة، جلد ۱ صفحه ۵۹۵.

« شفاء السقام في زيارة خير الأنام »^(۱) روایتی را از رسول الله ﷺ بدین مضمون نقل می‌نماید:

« من جئتني زائراً لا تحمله إلاّ زيارتي كان حقاً عليّ أن أكون له شفيعاً يوم القيامة »^(۲).

هر کس به سوی من حرکت نماید و تنها هدف و انگیزه او، زیارت من باشد، بر من واجب است که در روز قیامت او را شفاعت کنم.

بنابر نقل اهل تسنن، رسول الله ﷺ فرموده‌اند:

« من حجّ فزار قبري بعد وفاتي كمن زارني في حياتي »^(۳).

هر کس فریضه حج را بجا آورد و مرا پس از وفات، زیارت نماید. او همانند کسی است که در دوران حیاتم مرا زیارت نموده است.

بر اساس این روایت ثواب و آثار زیارت رسول الله ﷺ در حیات و پس از آن یکسان است.

در این زمینه، روایات فراوانی خصوصاً در کتب عامّه، وجود دارد. از این مجموعه روایات، به عنوان نمونه، روایتی را نقل می‌نماییم. رسول الله ﷺ فرموده‌اند:

« من حجّ البيت ولم يزرني فقد جفاني »^(۴).

هر کس به حج مشرف گردد و مرا زیارت نکند، به من جفا نموده است.

۱- به معنای، درمان بیماران با زیارت بهترین انسان.

۲- شفاء السقام، صفحات ۱۶ تا ۱۳.

۳- شفاء السقام، صفحات ۲۱ تا ۱۶ و وفاء الوفا، جلد ۴ صفحه ۱۳۴۰.

۴- شفاء السقام، صفحه ۲۲ و كنز العمال، جلد ۵ صفحه ۱۳۵.

این روایات را اهل تسنن در کتب معتبر خود نقل نموده‌اند. نکته مهم‌تر آنکه مذاهب چهارگانه آنان بر اساس این روایات به استحباب زیارت روضه مبارکه رسول الله ﷺ فتوی داده‌اند. با توجه به صراحت روایات و فتوی علمای عامه، ابن تیمیه و پیروان وی قادر به تحریم زیارت به صورت کلی نگردیده‌اند.

وهابیان و تحریم سفر زیارتی:

با توجه به روایات فراوان در خصوص زیارت رسول الله ﷺ وهابیان به این نتیجه رسیدند که در این رابطه نمی‌توانند کاری از پیش ببرند. لذا از راه دیگری وارد شدند و بوسیدن مراقد، دست گذاشتن بر آنها و سفر برای زیارت را ممنوع و تحریم کردند. آنان بر این باور هستند که زیارت رسول الله ﷺ اشکال ندارد. اما نباید برای زیارت ایشان بار و توشه سفر را آماده نمود. به عبارت دیگر «شد الرحال» بار سفر بستن به قصد زیارت رسول الله ﷺ حرام و ممنوع است. در این زمینه روایتی را به رسول الله ﷺ نسبت می‌دهند که ایشان ﷺ فرموده‌اند:

«لا تشدوا الرحال إلا إلى ثلاثة مساجد، مسجدي هذا والمسجد الحرام والمسجد الأقصى»^(۱).

بار سفر مبنیدید بجز برای سه مسجد، مسجد من [مسجد النبي ﷺ] و مسجد الحرام و مسجد الأقصى.

بر اساس این روایت ابن تیمیه و پیروان وی معتقد به حرمت سفر برای

۱- صحیح مسلم، جلد ۴ صفحه ۱۰۲ و سیر اعلام النبلاء، جلد ۲ صفحه ۳۲۷.

زیارت رسول الله ﷺ و هر شخص دیگری هستند، و تنها سفر برای عبادت کردن در سه مسجد فوق را بدون اشکال می‌دانند.

بررسی مضمون روایت:

اشکالات متعددی بر این روایت وارد می‌باشد که نشان از عدم صدور روایت از پیامبر اکرم ﷺ دارد. از جمله:

۱ - بنابر این روایت فقط مسافرت برای آن سه مسجد بدون اشکال است، و هر نوع مسافرت دیگر، چون دیدن والدین و صله ارحام، یا تفریح و گشت و گذار حرام است. آیا گویندگان این سخن به عوارض و لوازم گفته‌های خود ملتزم هستند؟!

۲ - بنابر این روایت کسانی که به حج مشرف می‌شوند نمی‌توانند، اعمال حج را به صورت کامل انجام دهند زیرا نمی‌توانند، به منا، عرفات و مشعر الحرام سفر نمایند، و فقط باید در مسجد الحرام بمانند!

۳ - اشکال دیگر آن است که نمی‌توانیم برای مبارزه با دشمنان اسلام و جهاد در راه خدا مسافرت نماییم. آیا عقل می‌پذیرد که بخاطر حرمت مسافرت، در خانه بنشینیم و برای دفاع از خود مسافتی را نیماییم؟!

۴ - این روایت با دستور صریح قرآن کریم مخالف است. زیرا خداوند متعال در قرآن می‌فرماید:

﴿فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾^(۱).

۱-سوره توبه، آیه ۱۲۲.

چرا از هر گروهی از آنان طایفه‌ای کوچ نمی‌کند تا در دین آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آنها را بیم دهند؟! شاید (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند و خود داری کنند.

کلمه لولا برای برانگیختن است^(۱)، بر اساس این آیه خداوند متعال می‌فرماید: چرا مسافرت نمی‌کنید؟ باید فقه و احکام دین را بیاموزید و به دیگران آموزش دهید. لذا مسافرت برای تبلیغ و ترویج دین واجب است. اما بر اساس مفاد روایت سابق هر گونه سفر برای یادگیری و تحصیل معارف دینی حرام و ممنوع است. در نتیجه حدیثی که وهابیان برای حرمت زیارت به آن استناد می‌کنند مخالف کتاب خدا است و از قابلیت استدلال ساقط می‌گردد.

رفتن پیامبر ﷺ به مسجد قبا:

در کتب معتبر اهل تسنن روایاتی مخالف با روایتی که تنها سفر برای سه مسجد را جایز می‌دانست، وجود دارد از جمله:

«كان النبي ﷺ يأتي مسجد قباء كل سبت ماشياً وراكباً»^(۲).

پیامبر ﷺ شنبه هر هفته، پیاده یا سواره به مسجد قبا می‌رفتند.

رسول الله ﷺ هر هفته از مدینه به مسجد قبا می‌رفتند. آیا از مدینه به

مسجد قبا رفتن را مسافرت نمی‌گویند؟ آیا مسافرت پیامبر ﷺ به مسجدی غیر از سه مسجد مذکور انجام کار حرام بوده است؟ العیاذ بالله.

۱- لولا از حروف تحضیض است، شرح الرضی علی الکفایة، صفحه ۴۶۹.

۲- صحیح بخاری، جلد ۲ صفحه ۵۷ و صحیح مسلم، جلد ۴ صفحه ۱۲۷ و سنن نسایی، جلد ۲ صفحه ۳۷.

آیا وهابیان از خدا نمی‌هراسند که این گونه با دین و احکام الهی بازی می‌کنند؟

زیارت قبور در روایات عامّه:

تا بدین جا به این نتیجه رسیدیم که زیارت روضه مبارکه رسول الله ﷺ و سفر برای زیارت ایشان ﷺ اشکالی ندارد. اما نکته حائز اهمیت این است که اهل تسنن در کتب خود روایاتی نقل نموده‌اند که بر اساس آنها نه تنها زیارت روضه رسول الله ﷺ بلکه زیارت قبور دیگران نیز بدون اشکال است.

آدمی در این جا متحیر و مبہوت می‌ماند که ابن تیمیّه و پیروان وی بر اساس کدام حدیث و سنت، قائل به تحریم زیارت قبور شده‌اند؟!

بنا به نقل آنان رسول الله ﷺ فرموده‌اند:

«زوروا القبور فإنها تذكركم الآخرة»^(۱).

قبرها را زیارت کنید، زیرا این کار شما را به یاد آخرت می‌اندازد.

در روایتی دیگر پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

«كنت نهيتكم عن زيارة القبور، فزوروها فإنها تزهد في الدنيا وتذكركم الآخرة»^(۲).

شما را از زیارت قبور نهی کرده بودم، اما حال به زیارت قبور بروید،

زیرا شما را در دنیا زاهد می‌کند و به یاد آخرت می‌اندازد.

۱- سنن ابن ماجه، جلد ۱ صفحه ۵۰۰ و کنز العمال، جلد ۱۵ صفحه ۶۴۶.

۲- سنن ابن ماجه، جلد ۱ صفحه ۵۰۱ و باندکی تفاوت در سنن ترمذی، جلد ۲ صفحه ۲۵۹ و صحیح مسلم، جلد ۶ صفحه ۸۲.

اهل سنت از عایشه حدیثی نقل می‌کنند که:

«إن رسول الله ﷺ رخص في زيارة القبور»^(۱).

پیامبر ﷺ اجازه دادند که قبرها را زیارت کنیم.

آنان در کتب خود آورده‌اند که:

«زار النبي ﷺ قبر أمه فبکی وأبکی من حوله»^(۲).

پیامبر ﷺ قبر مادرشان را زیارت کرده خود گریستند و دیگران نیز

منقلب شدند و گریه کردند.

متأسفانه اهل سنت در کتب خود پس از این روایت نکاتی بیان کرده‌اند،

مبنی بر اینکه مادر گرامی رسول الله ﷺ مشرک بوده است! حال آنکه ما بر

اساس کلام معصوم ﷺ شهادت می‌دهیم:

«أشهد يا رسول الله ﷺ أنك كنت نوراً في الأضلاب الشامخه

والأرحام المطهرة»^(۳).

شهادت می‌دهم ای رسول خدا ﷺ که تو نوری در صلب‌های والا

مقام و رحم‌های پاکیزه بودی.

خاطره‌ای از سفر به حج:

در گذشته در مسجد الحرام و مسجد النبي ﷺ شش تریبون (کرسی)

برای مذاهب اسلامی وجود داشت. اما امروزه چهار تریبون وجود دارد و شیعیان

۱- سنن ابن ماجه، جلد ۱ صفحه ۵۰۰ و نیل الأوطار، جلد ۴ صفحه ۱۶۵.

۲- صحیح مسلم، جلد ۳ صفحه ۶۵ و مستدرک حاکم، جلد ۱ صفحه ۳۷۵.

۳- بحار الانوار، جلد ۹۷ صفحه ۱۸۷.

اثنی عشری و شیعیان زیدی بدون تریبون هستند. در ایامی که به حج مشرف شده بودم عصر به مسجد الحرام رفتم و مشغول انجام اعمال بودم، که متوجه شدم یکی از علماء اهل سنت پشت تریبون سخن می‌گوید و عده‌ای هم سخنان وی را گوش می‌دهند. آن شخص از تاریخ صدر اسلام سخن می‌گفت و اتفاقات شعب ابی طالب را بیان می‌کرد و در ادامه سخنانش افزود در آن سالی که مسلمانان در شعب محاصره بودند [حضرت] ابو طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ و خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ فوت کردند و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن سال را عام الحزن^(۱) (سال اندوه) نامیدند. سپس اضافه کرد که ابو طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ مُرد در حالیکه مشرک بود، و تمام شنوندگان یکپارچه ابو طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ را لعنت کردند!

در رابطه با این واقعه به نکاتی اشاره می‌نماییم:

۱ - شما در کتب خود بیان می‌کنید که تکریم و بزرگداشت غیر خداوند شرک می‌باشد. آیا پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با نام گذاری آن سال به نام عام الحزن قصد تکریم و احترام به حضرت ابو طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ و همسر گرامیشان خدیجه کبری عَلَيْهَا السَّلَامُ را نداشتند؟

۲ - بر چه اساسی به پدر و مادر گرامی رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اتهام شرک می‌زنید؟ چرا حضرت ابو طالب و حضرت عبدالمطلب عَلَيْهِمَا السَّلَامُ را مشرک می‌دانید؟ آیا امکان دارد از نسل مشرک چه در سلسله پدری و یا مادری نور پاکیزه‌ای به دنیا آید که خاتم الانبیاء صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باشد؟ آیا ارحام نجس و اصلاّب غیر پاکیزه توان و قابلیت به دنیا آوردن وجود نورانی و طاهر و مطهر رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را دارند؟

۱- بحار الانوار، جلد ۱۹ صفحه ۲۵ و از منابع اهل تسنن بنگرید به تاریخ ابن کثیر، جلد ۳ صفحه ۱۳۴ و سیره حلبی، جلد ۱ صفحه ۳۷۳.

پیشنهادی به دولت عربستان:

ما خواسته‌ای از دولت عربستان داریم و آن اینکه کرسی شیعیان جعفری که در سابق در اختیارمان بوده است را به ما باز پس دهند. ما نیز متعهد می‌شویم که در بیان اعتقاداتمان به منابع شیعه از قبیل کافی و بحار الانوار اکتفاء نکنیم و از منابع مورد قبول اهل سنت مانند صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ترمذی و سنن نسایی هم نقل قول نماییم.

این خواسته را بنده سالها قبل مطرح کردم. زمانی که دولت عربستان با راهپیمایی مخالفت کرده بود. به دوستانی که با تصمیم‌گیران در ارتباط بودند پیشنهاد دادم که چنین معامله‌ای با دولت عربستان بکنید: در قبال در اختیار گرفتن کرسی جعفری از راهپیمایی صرف نظر می‌کنیم. به نظر بنده اینکه تشیع در مهمترین مراکز اسلام پایگاهی برای نشر افکارش داشته باشد بسیار مؤثرتر از راهپیمایی و فریاد کشیدن در خیابانها است.

قبرستان و عبرت از مردگان:

حال که سخن به مرگ و قبر رسید بهتر است به نکته‌ای اخلاقی در این زمینه اشاره نماییم.

روزی حضرت موسی ابن جعفر علیه السلام از قبرستانی می‌گذشتند، قبر حفر شده‌ای را دیدند که بناست میتی را در آن قرار دهند، بر سر قبر ایستاده و به حاضرین فرمودند:

«إِنَّ شَيْئاً هَذَا آخِرَهُ لِحَقِيقِ أَنْ يَزْهَدَ فِي أَوَّلِهِ وَإِنَّ شَيْئاً هَذَا أَوَّلَهُ لِحَقِيقِ أَنْ

یخاف آخره»^(۱).

امری که آخر آن این است (گودال تنگ و تاریک) سزاوار است که در اولش زاهد و پارسا باشیم و امری که اول آن این است (گودال تنگ و تاریک) سزاوار است هراس از آخرش داشته باشیم.

امام علیه السلام در این روایت می‌فرماید: دنیا و حیاتی که آخر آن، گودال و حفره تاریک قبر است بهتر است از اول در آن زاهد و پارسا باشیم و تقوی پیشه کنیم و حقّ الله و حقّ الناس را رعایت نماییم و منزلگاهی که اول آن این حفره تاریک است، آخر آن چقدر هراسناک خواهد بود.

هنگامی که به قبرستان می‌رویم و ثروتمندان، قدرتمندان و بیچارگان را در کنار هم خفته می‌بینیم، آیا این تنبیه و هشدار برای ما و زیاده خواهیهای ما نمی‌باشد؟!

حال اگر جلوی مردم را بگیریم و از زیارت قبور ممانعت کنیم و درب قبرستان بقیع را ببندیم، چه چیزی حاصل مردم می‌شود؟ آیا غیر از این است که فرصت تنبیه، بیداری و از غفلت بدر آمدن را از آنان گرفته‌ایم؟

قبولی حجّ در گرو زیارت اهل بیت علیهم السلام :

در این جا برای تیمن و تبرک و نوارنیت قلوب، روایاتی را از ائمه اطهار علیهم السلام در رابطه با زیارت نقل می‌نماییم.
امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

۱- معانی الاخبار، صفحه ۳۴۳.

«إِنَّمَا أَمْرُ النَّاسِ أَنْ يَأْتُوا هَذِهِ الْأَحْجَارَ فَيَطُوفُوا بِهَا ثُمَّ يَأْتُونَا فَيُخْبِرُونَا
بِوَلَايَتِهِمْ وَيَعْرَضُوا عَلَيْنَا نَصْرَهُمْ»^(۱).

مردم مأمور شده‌اند که به دور این سنگها [کعبه] طواف کنند، سپس
نزد ما آیند و بگویند از دوستان ما هستند و آمادگی خود را برای
یاری رساندن به ما اعلام کنند.

خانه خدا بدون ولایت چیزی جز سنگ نیست.

کعبه یک سنگ نشانی است که ره گم نکنی

حاجی احرام دگر بند ببین یار کجاست

به همین دلیل امام سجاد ع در مجلس یزید خطاب به او فرمودند:

«أُذِّنْ لِي حَتَّى أَصْعَدَ هَذِهِ الْأَعْوَادَ»^(۲).

به من اجازه بده که بالای این چوبها بروم.

آری! جایگاهی که حرف حق و سخن روا در آن بیان نشود، چوب است نه

منبر رسول الله ص.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾^(۳).

و حج و عمره را برای خدا به پایان برسانید.

منظور از تمام کردن حج و عمره برای خداوند چیست؟ امام صادق ع در

این زمینه می‌فرمایند:

۱- کافی، جلد ۴ صفحه ۵۴۹ و عیون اخبار الرضا، جلد ۱ صفحه ۲۹۳.

۲- بحار الانوار، جلد ۴۵ صفحه ۱۳۷.

۳- سوره بقره، آیه ۱۹۶.

« إذا حجَّ أحدكم فليختم حجّه بزيارة تنال لأن ذلك من تمام الحجِّ »^(۱).
 اگر کسی به حجّ مشرّف شد حجّ خود را با زیارت ما به پایان برساند،
 زیرا زیارت ما حجّ را به اتمام می رساند.

شیعیان و وفا به عهد :

در روایتی امام رضا علیه السلام می فرماید :

« إن لكلِّ إمام عهداً في عنق أوليائه وشيعته وإن من تمام الوفاء بالعهد
 وحسن الأداء زيارة قبورهم . فمن زارهم رغبة في زيارتهم وتصديقاً بما
 رغبوا فيه كان أتمّتهم شفاعاءهم يوم القيامة »^(۲).

هر امامی به گردن شیعیان خود حقی دارد . زیارت قبور آنان بهترین
 اداء حق و وفاء به عهد می باشد . هر کس با تمایل و علاقه آنان را
 زیارت کرد و آنچه را که آنان دوست دارند ، پذیرفت ، امامان در روز
 قیامت از او شفاعت خواهند نمود .

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید :

« اتّموا برسول الله صلّى الله عليه وآله إذا خرجتم إلى بيت الله الحرام فإنّ تركه جفاء
 وبذلك أمرتم واتّموا بالقبور التي ألزمكم الله عزّوجلّ حقّها وزيارتها
 واطلبوا الرزق عندها »^(۳).

هنگامی که برای زیارت بیت الله الحرام می روید ، کار را با زیارت

۱- عیون اخبار الرضا ، جلد ۱ صفحه ۲۹۳ .

۲- کافی ، جلد ۴ ، صفحه ۵۶۷ و عیون اخبار الرضا ، جلد ۱ صفحه ۲۹۲ .

۳- خصال ، صفحه ۶۱۶ .

رسول خدا ﷺ به اتمام رسانید. زیرا ترک زیارت، ستم به ایشان ﷺ است و شما به زیارت ایشان ﷺ مأمور شده‌اید. همچنین حجّ خود را با زیارت قبوری که خداوند حق زیارت آنان را به گردن شما نهاده است به پایان برسانید و نزد قبور آنان از خداوند رزق و روزی درخواست نمایید.

در جلسات گذشته بیان نمودیم که خداوند متعال، در جهان خلقت مأمورینی دارد که برخی از امور آفرینش را به عهده آنان سپرده است. برخی از فرشتگان مأمور نزول باران هستند، برخی مأمور قبض ارواح و ...

از جانب خداوند به حضرات معصومین علیهم‌السلام نیز قدرتهای ویژه‌ای اعطا شده است و قدرت آنان، در طول قدرت الهی قرار دارد. و آنان علیهم‌السلام به هفتاد و دو حرف از هفتاد و سه حرف اسم اعظم الهی عالم هستند، آنان علیهم‌السلام به مراتب از آصف ابن برخیا قدرتمندترند زیرا وی تنها به یک حرف عالم بود و با آن یک حرف تخت بلقیس را در چشم بر هم زدنی از سبأ به مدین آورد^(۱).

جایگاه ائمه علیهم‌السلام در قیامت:

در روایتی امام باقر علیه‌السلام به جابر رضی‌الله‌عنه می‌فرماید:

« إذا كان يوم القيامة جمع الله عزّ وجلّ الأوّلين والآخرين لفصل الخطاب ؛
در روز قیامت خداوند همه موجودات از اول تا آخر را برای رسیدگی
به حساب آنان گرد هم می‌آورد.

۱- برای آگاهی بیشتر بنگرید به جزوه شماره ۱۵ صفحه ۷.

دعی رسول الله ﷺ و دعی امیرالمؤمنین علیاً فی کسا رسول الله ﷺ
 حلّه خضراء تضيیء ما بین المشرق و المغرب و یکسا علیاً مثلها
 و یکسا رسول الله ﷺ حلّه وردیة یضییء لها ما بین المشرق و المغرب
 و یکسا علیاً مثلها؛

پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین علیاً فراخوانده می شوند، و لباسی سبز به
 رسول الله ﷺ داده می شود که ما بین مشرق و مغرب را روشن
 می کند و به امیرالمؤمنین علیاً مثل آن داده می شود، و سپس به
 رسول الله ﷺ لباسی از گل داده می شود که ما بین مشرق و مغرب را
 روشن می کند و به امیرالمؤمنین علیاً نیز مثل آن داده می شود.

... ثم یدعی بنا فیدفع إلینا حساب الناس، فنحن والله ندخل أهل الجنة،
 الجنة وأهل النار، النار؛

سپس ما را فرا می خوانند، و رسیدگی به حساب مردم به ما واگذار
 می شود و بخدا سوگند ما هستیم که بهشتیان را به بهشت و جهنمیان را
 به جهنم وارد می کنیم.

ثم یدعی بالنبیین علیهم السلام فیقامون صفین عند عرش الله عزوجل حتی نفرغ
 من حساب الناس؛

سپس پیامبران علیهم السلام فرا خوانده می شوند، و آنان در دو صف در برابر
 پیشگاه الهی می ایستند تا ما از رسیدگی به حساب مردم فارغ گردیم.
 فإذا دخل أهل الجنة، الجنة وأهل النار، النار بعث رب العزة علیاً علیاً
 فأنزلهم منازلهم من الجنة وزوجهم؛

هنگامی که بهشتیان به بهشت و جهنمیان به جهنم روند، خداوند

متعال امیرالمؤمنین علیه السلام را می آورد، تا بهشتیان را در منزلها و مراتب خاص ایشان جای دهند، و امر تزویج آنها را بر عهده گیرند.

فعلی علیه السلام والله الذي يزوج أهل الجنة في الجنة وما ذاك إلى أحد غيره، كرامة من الله عز وجل ذكره وفضلاً فضله الله به ومن به عليه؛

بخدا سوگند علی علیه السلام بهشتیان را در بهشت به ازدواج در می آورد و این کار به هیچ کس دیگر واگذار نمی گردد، این کرامت، فضل و منتهی از خداوند است به ایشان.

وهو والله يدخل أهل النار النار وهو الذي يغلق على أهل الجنة، إذا دخلوا فيها أبوابها لأن أبواب الجنة إليه وأبواب النار إليه»^(۱).

بخدا سوگند اوست که جهنمیان را به جهنم می برد و اوست که درب بهشت را می بندد هنگامی که بهشتیان، در آن سکنی گزیدند، زیرا که درب بهشت و جهنم بدست اوست.

سروده‌ای از شافعی:

شافعی که یکی از امامان مذاهب اهل سنت می باشد با توجه به روایات مورد اعتماد خود چنین سروده است:

عليّ حبه جنة قسيم النار والجنة
وصي المصطفى حقاً إمام الإنس والجنة^(۲)

دوستی علی علیه السلام سپر است و او تقسیم کننده جهنم و بهشت است، او جانشین بر حق رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و امام انسانها و جنیان است.

۱- کافی، جلد ۸ صفحه ۱۵۹.

۲- فراند السمطین، جلد ۱ صفحه ۳۲۶ و ینابیع المودة، جلد ۱ صفحه ۲۵۶.

بازگشت همه به سوی ائمه علیهم السلام :

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم :

« وَأَيُّبُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ وَحَسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ »^(۱).

بازگشت مخلوقات به سوی شما و حساب آنان با شما است .

بازگشت همه مخلوقات و موجودات و رسیدگی به حساب همه آنان با ائمه اطهار علیهم السلام است . سماعه می گوید در کنار حضرت امام کاظم علیه السلام نشسته بودم و مردم در دل شب مشغول طواف بودند . حضرت علیه السلام فرمودند :

« إِيْنَا أَيُّبُ هَذَا الْخَلْقِ وَعَلَيْنَا حِسَابُهُمْ فَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ ذَنْبٍ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ حَتَّمْنَا عَلَى اللَّهِ فِي تَرْكِهِ لَنَا فَأَجَابْنَا إِلَى ذَلِكَ وَمَا كَانَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ النَّاسِ اسْتَوْهَبْنَا مِنْهُمْ وَاجَابُوا إِلَى ذَلِكَ وَعَوَّضَهُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ »^(۲).

بازگشت مردم به ما و رسیدگی به حساب آنان با ما است ، اگر مردم در حقّ الله کوتاهی کرده باشند ، از خداوند می خواهیم که آنان را ببخشد و خداوند متعال نیز می پذیرد و اگر در حقّ الناس کوتاهی کرده باشند ، از آنان می خواهیم که از حقّ همدیگر بگذرند و ایشان چنین می کنند و خداوند در قبال این بخشش به آنان پاداش می دهد .

در این رابطه امام رضا علیه السلام می فرمایند :

« إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وَتَيْنَا حِسَابَ شِيعَتِنَا »^(۳).

در روز قیامت حساب شیعیان به ما واگذار می شود .

۱- مفاتیح الجنان ، زیارت جامعه کبیره .

۲- کافی ، جلد ۸ صفحه ۱۶۲ .

۳- عیون اخبار الرضا ، جلد ۱ صفحه ۶۳ .

در روز قیامت اهل بیت علیهم السلام متولی و مسؤول رسیدگی به حساب شیعیان می‌شوند، این سخن امامی است که در زیارتنامه وی می‌خوانیم:

«السَّلامُ عَلَى الْإِمَامِ الرَّؤُوفِ»^(۱).

سلام بر امام مهربان.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«كُلُّ أُمَّةٍ يَحْسَبُهَا إِمَامٌ زَمَانُهَا وَيَعْرِفُ الْأُمَّةَ أَوْلِيَاءُهَا وَأَعْدَائُهَا بِسِمَاهُمْ وَهُوَ قَوْلُهُ ﴿وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِمَاهُمْ﴾»^(۲) «(۳).

هر امتی بوسیله امام زمان خود محاسبه می‌شود، و امامان دوستان و دشمنان خود را از روی چهره آنها می‌شناسند و این معنای کلام خداوند است که می‌فرماید: بر روی اعراف مردانی هستند که همگان را به سیمایشان می‌شناسند.

در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«إِلَيْنَا الصَّرَاطُ وَالْمِيزَانُ وَحِسَابُ شِيعَتِنَا»^(۴).

صراط، میزان و حساب شیعیان در نزد ما است.

بازگشت خلائق به سوی خدا یا لئمه علیهم السلام:

در این جا ممکن است پرسشی به ذهن آید: چگونه ائمه اطهار علیهم السلام

۱- بحار الانوار، جلد ۹۹ صفحه ۵۲.

۲- سورة اعراف، آیه ۴۶.

۳- تفسیر نور الثقلین، جلد ۲ صفحه ۳۲.

۴- بحار الانوار، جلد ۴۷ صفحه ۷۸ و بصائر الدرجات، صفحه ۲۸۵.

بازگشت مردم را به سوی خود و حساب آنان را به دست خود می‌دانند، اما در قرآن کریم آیاتی وجود دارد، که بیان می‌کند بازگشت مردم به سوی خداوند و حساب آنان با خداوند است:

۱ - ﴿إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ﴾^(۱).

بیگمان بازگشت آنان به نزد ما است * سپس حساب آنان با ما است.

۲ - ﴿وَالِلَّهِ تُرْجِعُ الْأُمُورُ﴾^(۲).

و سرانجام کارها به خدا باز گردانده می‌شود.

۳ - ﴿ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾^(۳).

آنگاه به سوی او باز گردانده می‌شوید.

۴ - ﴿وَالِلَّهِ الْمَصِيرُ﴾^(۴).

بازگشت به سوی خداوند است.

برای پاسخ به پرسش فوق می‌توان از آیات مختلفی که در جلسات قبل هم بیان شد استفاده نمود. خداوند در آیه‌ای قبض روح را به خود نسبت می‌دهد و می‌فرماید:

﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا﴾^(۵).

خداوند جانها را به هنگام مرگ می‌گیرد.

اما در آیه دیگر قبض روح را به ملائکه نسبت می‌دهد:

۱- سوره غاشیه، آیات ۲۶ و ۲۵.

۲- سوره بقره، آیه ۲۱۰.

۳- سوره بقره، آیه ۲۸.

۴- سوره آل عمران، آیه ۲۸.

۵- سوره زمر، آیه ۴۲.

﴿قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ﴾^(۱).

بگو فرشته مرگ که بر شما گماشته شده است روح شما را می‌گیرد. همچنان که بین این دو آیه ناسازگاری وجود ندارد، بین روایاتی که بازگشت مردم را به سوی ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌داند و آیاتی از قرآن که بازگشت مردم را به سوی خداوند متعال می‌داند، ناسازگاری و تناقض وجود ندارد. می‌توان از طریق مسأله هدایت نیز به پرسش فوق پاسخ داد. خداوند هدایت تمام موجودات را بدست خود می‌داند و می‌فرماید:

﴿إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾^(۲).

تو هر کس را که دوست داری هدایت نمی‌کنی، بلکه خداوند است که هر کس را که بخواهد هدایت می‌کند و او به رهیافتگان داناتر است. و در آیه‌ای دیگر خطاب به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

﴿وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^(۳).

و تو مسلماً به سوی راه راست هدایت می‌کنی.

آیات مربوط به شفاعت نیز می‌تواند به شبهه فوق پاسخ دهد. برخی آیات

شفاعت را مخصوص خداوند می‌داند:

﴿قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعاً﴾^(۴).

بگو شفاعت به تمامی از آن خدا است.

۱-سوره سجده، آیه ۱۱.

۲-سوره قصص، آیه ۵۶.

۳-سوره شوری، آیه ۵۲.

۴-سوره زمر، آیه ۴۴.

اما در آیاتی دیگر از قرآن کریم خداوند متعال شفاعت را به دیگران واگذار نموده است. اما آن را منوط به اذن و رضایت خویش قرار داده است.

﴿وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى﴾^(۱).

شفاعت نمی کنند مگر برای کسی که خداوند از او خشنود باشد.

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ﴾^(۲).

کیست که در نزد او، جز به اذن او به شفاعت برخیزد.

قدرت تمام قدرتمداران عالم آفرینش، فرشتگان، انبیاء علیهم السلام و ائمه

اطهار علیهم السلام نشأت گرفته از قدرت ذات اقدس ربوبی و در طول قدرت الهی قرار

دارد. حال اگر بازگشت مخلوقات در روز قیامت به سوی حضرات معصومین علیهم السلام

باشد و آنان به حساب همه رسیدگی کنند مشکلی پیش نمی آید.

خداوند در قرآن می فرماید:

﴿إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ﴾^(۳).

بیگمان بازگشت آنان به نزد ما است * سپس حساب آنان با ما است.

اما در آیه ای دیگر از سوی خداوند متعال در روز قیامت به انسانها خطاب

می شود،

﴿اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا﴾^(۴).

کتابت را بخوان، کافی است که امروز، خود حسابگر خویش باشی.

۱- سوره انبیاء، آیه ۲۸.

۲- سوره بقره، آیه ۲۵۵.

۳- سوره غاشیه، آیات ۲۶ و ۲۵.

۴- سوره اسراء، آیه ۱۴.

در نهایت بازگشت همهٔ امور به سوی خداوند متعال می‌باشد. اینکه امام معصوم علیه السلام حسابرسی مخلوقات را به عهده داشته باشند یا خود انسان به قضاوت در مورد اعمالش طلبیده شود، منافاتی با قدرت مطلقه الهی ندارد. همهٔ این امور از ناحیهٔ خداوند به دیگران اعطا می‌شود.

قیامت روز حسرت و شرمساری:

در قرآن کریم، برای روز قیامت نامهای متفاوتی ذکر شده است از جمله ﴿يَوْمَ الْحِسَابِ﴾^(۱)، ﴿يَوْمَ الْجُمُعِ﴾^(۲)، ﴿يَوْمَ الْحَسْرَةِ﴾^(۳)، ﴿يَوْمَ الْفُضْلِ﴾^(۴) و ﴿يَوْمَ التَّغَابُنِ﴾^(۵).

یوم التغابن روزی است که همهٔ مردم در می‌یابند که ضرر و زیان کرده‌اند. انشاء الله در آن روز در نزد ائمه اطهار علیهم السلام خجل و شرمسار نگردیم. در بعضی از روایات آمده است که هر شب جمعه^(۶) اعمال شیعیان به محضر حضرت صاحب العصر و الزمان (عجل الله فرجه الشریف) عرضه می‌گردد، و در بعضی دیگر از روایات آمده است که اعمال ما هر روز^(۷) به محضر امام علیه السلام عرضه

۱- سورهٔ ص، آیه ۲۶ و ۱۶.

۲- سورهٔ شوری، آیه ۷.

۳- سورهٔ مریم، آیه ۳۹.

۴- سورهٔ صافات، آیه ۲۱.

۵- سورهٔ تغابن، آیه ۹.

۶- بصائر الدرجات، صفحهٔ ۴۴۶.

۷- کافی، جلد ۱ صفحهٔ ۲۱۹.

می‌گردد.

واقعاً ما به این مطلب باور و اعتقاد نداریم، زیرا رفتار و اعمالمان بگونه‌ای است که گویی هیچ کس از آن آگاه نمی‌گردد. حال که قرار است رسیدگی به حسابهایمان بدست حضرت صاحب الزمان (عج الله فرجه شریف) باشد، بگونه‌ای رفتار نماییم، که خجل و سرافکننده نگردیم و در این دنیا موجباتی را فراهم نماییم که انشاء الله در آخرت، سعادت‌مند، سر بلند و رستگار گردیم.

به سوی معرفت ۱۹

۲۵

« والسّلام علیکم ورحمة الله وبرکاته »

خود آزمایی :

- ① اهل تسنن در رابطه با زیارت روضه رسول الله ﷺ چه عقیده‌ای دارند؟ دو روایت بیان نمایید.
- ② نظر وهابیان را در مورد سفر زیارتی بنویسید و آن را نقد نمایید.
- ③ اهل تسنن در رابطه با زیارت قبور چه می‌گویند دو روایت بیان کنید.
- ④ استدلال کنید که والدین گرامی رسول الله ﷺ مشرک نبودند.
- ⑤ در عام الحزن چه اتفاقی افتاد؟ و چرا به این نام، نامگذاری شد؟
- ⑥ به پایان رساندن عمل حج در گرو چه عملی است؟
- ⑦ شیعیان چگونه به عهد خود در مورد امام علیؑ وفا می‌کنند؟
- ⑧ جایگاه ائمه علیهم السلام را در قیامت بنویسید؟
- ⑨ شافعی در رابطه با امیرالمؤمنین علیؑ چه می‌گوید؟
- ⑩ استدلال کنید که بین بازگشت خلائق به سوی خدا یا به سوی ائمه علیهم السلام تضادی وجود ندارد.
- ⑪ شفاعت غیر خداوند چه شرطی دارد؟
- ⑫ چند نام از نامهای روز قیامت را بیان کنید.

به سوی معرفت ۱۹

۲۷

... ما خواسته‌ای از دولت عربستان داریم و آن اینکه کرسی شیعیان جعفری که در سابق در اختیارمان بوده است را به ما باز پس دهند. ما نیز متعهد می‌شویم که در بیان اعتقاداتمان به منابع شیعه از قبیل کافی و بحار الانوار اکتفاء نکنیم و از منابع مورد قبول اهل سنت مانند صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ترمذی و سنن نسایی هم نقل قول نماییم. این خواسته را بنده سالها قبل مطرح کردم. زمانی که دولت عربستان با راهپیمایی مخالفت کرده بود. به دوستانی که با تصمیم‌گیران در ارتباط بودند پیشنهاد دادم که ...

(صفحه ۱۲ از همین جزوه)

www.yasrebi.ir

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

محل برگزاری جلسات :

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یثربی رحمته الله علیه

تلفن: ۴۴۴۳۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ نمایر: ۴۴۴۹۹۳۳

به سوی معرفت ۱۹

۶